**This file has been cleaned of potential threats. To view the reconstructed contents, please SCROLL DOWN to next page.**

**If you confirm that the file is coming from a trusted source, you can send the following SHA-256 hash value to your admin for the original file.**

f1f21b8223d1f94f843d21c447029afc7133c7dbabb285653949fcc4b67a45ab

**پاسخ رفتار مصرفی به نااطمینانی اقتصاد کلان (مطالعه موردی: کشورهای عضو اوپک)**

محمد طاهر احمدی شادمهری\*****، تقی ابراهیمی سالاری\*\*، زینب شعبانی کوشالشاهی\*\*\*، امیر عباس آجری آیسک\*\*\*\*

\* دانشیار اقتصاد، دانشکده علوم اداری و اقتصادی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران (نویسنده­ی مسئول)

*\*\* دانشیار اقتصاد، ، دانشکده علوم اداری و اقتصادی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران*

*\*\*\*دانشجوی دکتری اقتصاد، ، دانشکده علوم اداری و اقتصادی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران*

*\*\*\*\*دانشجوی دکتری اقتصاد، ، دانشکده علوم اداری و اقتصادی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران*

|  |  |
| --- | --- |
| اطلاعات مقاله | طبقه‌بندیJEL: *E21, E52, O53* |
| *تاریخ دریافت:*  *تاریخ بازنگری:*  *تاریخ پذیرش:*  *انتشار آنلاین از* | **واژگان کلیدی:**  **رفتار مصرفی، نااطمینانی اقتصاد کلان، شاخص بی­ثباتی اقتصاد کلان (MII)، کشورهای عضو اوپک، الگوی رگرسیون آستانه­ای پانل (PTR).** |
| ارتباط با نویسنده (گان) مسئول:  ایمیل: shadmhri@um.ac.ir | **آدرس پستی:**  ***مشهد، ایران، میدان آزادی، دانشگاه فردوسی مشهد،*** *دانشکده علوم اداری و اقتصادی****، گروه اقتصاد، کد پستی: ۹۱۷۷۹۴۸۹۷۴*** |

**قدردانی :** نویسندگان از نظرات و پیشنهادات ارزشمند داوران که کیفیت این مقاله را بهبود بخشیده اند تشکر و قدردانی می­نمایند.

***تضاد منافع:*** *نویسندگان مقاله اعلام می‏کنند که در انتشار مقاله ارائه شده تضاد منافعی وجود ندارد.*

**منابع مالی:** نویسندگان هیچ­گونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکرده­اند.

**چکیده**

***رشد اقتصادی، عوامل مؤثر و چگونگی ارتقای آن همواره یکی از مسائل چالش برانگیز اقتصاد بوده است. در این بین، از ثبات اقتصادی به عنوان یکی از الزامات تحقق رشد اقتصادی پایدار یاد می­شود. در مقابل، وجود بی­ثباتی، موجب تغییر چشم­اندازها و غیر قابل پیش بینی نمودن نتایج فعالیت­های اقتصادی خواهد شد. نااطمینانی از جمله مفاهیم مرتبط با بی­ثباتی است. با عنایت به ابعاد وسیع اثرگذاری نااطمینانی، پرداختن به امر تأثیرپذیری متغیرهای کلیدی اقتصاد از مسأله نااطمینانی از اهمیت به سزایی برخوردار است. نظر به اهمیت موضوع، در این پژوهش، تلاش گردید تا تأثیر مستقیم و غیرمستقیم نااطمینانی بر رفتار مصرفی مورد بررسی قرار گیرد. بدین منظور از اطلاعات سری زمانی مخارج مصرفی (به عنوان جایگزین میزان مصرف)، درآمد و حجم پول کشورهای عضو اوپک، در فاصله سال­های 2006 تا 2018، براساس حداکثر اطلاعات در دسترس، استفاده شد. شاخص نااطمینانی اقتصادی نیز به روش MII محاسبه گردید. تمامی متغیرها در فرم لگاریتمی و سرانه در نظر گرفته شدند. همچنین، با توجه به ماهیت الگو و داده­های مورد استفاده، به منظور برآورد، از روش رگرسیون آستانه­ای پانل (PTR) استفاده گردید. در این الگو، اثر مستقیم نااطمینانی با معرفی شاخص نااطمینانی در معادله، و اثر غیرمستقیم، با بررسی نقش شاخص نااطمینانی در اثرگذاری سایر متغیرهای توضیحی سنجیده شد. همچنین، به منظور بررسی وجود مقدار آستانه­ برای متغیر نااطمینانی، از آزمون اثر آستانه استفاده گردید. مطابق نتایج این آزمون، وجود یک حد آستانه برای متغیر مذکور به تأیید رسید.***

***نتایج پژوهش حاکی از آن بود که در دوره­ی مورد بررسی، نااطمینانی، به صورت مستقیم، تأثیر منفی و معنی­داری بر مخارج مصرفی در کشورهای عضو اوپک دارد. در مقابل، همبستگی مثبت و معنی­داری بین متغیرهای درآمد سرانه و ثروت با مخارج مصرفی دوره جاری برقرار است. هر چند، اثرگذاری متغیرهای مذکور، در سطوح مختلف نااطمینانی نامتقارن بود. به طوری که در سطوح بالای نااطمینانی، از اثرگذاری هر دو متغیر بر مخارج مصرفی کاسته شد. بنابراین، می­توان گفت نااطمینانی به صورت غیر مستقیم و از طریق اثرگذاری بر درآمد و ثروت نیز تأثیر منفی بر مخارج مصرفی برجای خواهد گذاشت. با عنایت به نتایج حاصل از پژوهش و نظر به ابعاد وسیع قابل تصور برای نااطمینانی، تعهد به سیاست­های اعلام شده و احتیاط در اجرای سیاست­های صلاحدیدی و غافلگیرانه (هر چند با اهداف خیرخواهانه)، از جمله پیشنهادهای سیاستی این پژوهش به سیاست­گذاران خواهد بود. همچنین، پیشنهاد می­شود بررسی پیامدهای آتی نااطمینانی با استفاده از روش­های آینده پژوهانه، مورد توجه بیشتر محققین قرار گیرد.***

**ارجاع به مقاله:**

احمدی شادمهری، محمد طاهر، ابراهیمی سالاری، تقی، شعبانی کوشالشاهی، زینب و آجری آیسک، امیرعباس. (). پاسخ رفتار مصرفی به نااطمینانی اقتصاد کلان (مطالعه موردی: کشورهای عضو اوپک). *فصلنامه­ی اقتصاد مقداري (بررسي­هاي اقتصادي سابق )*، *دوره*(شماره), ص-ص.

https://doi.org/10.22055/jqe.2021.36248.2324



C:\Users\tarasystm\AppData\Local\Microsoft\Windows\Temporary Internet Files\Content.Word\IMG-20191206-WA0000.jpg © 2023 Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0 license) ([http://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/](http://?))

# مقدمه

رشد اقتصادی، عوامل مؤثر و چگونگی ارتقای آن همواره از مسائل چالش برانگیز مورد توجه محققان، اقتصاددانان، و به طور ویژه، برندگان جایزه نوبل بوده است (Boldeanu and Constantinescu, 2015). شروع مطالعات در این حوزه به زمان آدام اسمیت بر می­گردد. از آن زمان تاکنون، نزدیک به دو قرن است که اقتصاددانان در جستجوی پاسخ به علل تفاوت در سطح رشد و توسعه­یافتگی کشورها هستند. ولی علی رغم تمام بررسی­های صورت گرفته، معمای رشد اقتصادی هنوز هم به طور کامل پاسخ داده نشده است (Alper, 2018). این مساله موجب گردید تحقق رشد اقتصادی بالا و شناسایی عوامل مؤثر بر آن، به یکی از مهم­ترین اهداف سیاست­ها و نظام­های اقتصادی مبدل گردد.

در ادبیات اقتصادی، از مصرف به عنوان یکی از مهم­ترین عوامل مؤثر بر رشد اقتصادی یاد شده است. رفتار مصرفی افراد تأثیر به سزایی بر نوسانات فعالیت­های اقتصادی دارد. چرا که تولید کالاها و خدمات با هدف پاسخگویی به تقاضای مصرفی مردم صورت می­گیرد. علاوه بر آن، رفتار مصرفی نیز مطابق با درآمد افراد تعیین می­گردد (Rafiy et al., 2018). از زمانی که کینز مصرف را تابعی از درآمد معرفی نمود، این متغیر به جزیی لاینفک از مجموعه عوامل مؤثر بر مصرف در تمامی مکاتب مبدل شد[[1]](#footnote-1). از آن زمان تاکنون اقتصاددانان از عوامل مختلفی به عنوان محرک­های مصرف یاد کردند، اما تمامی آن­ها در برابر درآمد از درجه اهمیت پایین­تری برخوردارند. درآمد لازم برای تأمین مالی مصرف نیز، مستلزم رشد اقتصادی بالا و مستمر است.

به عقیده اقتصاددانان، یکی از شروط لازم جهت تحقق نرخ­های بالای رشد اقتصادی، ثبات اقتصادی است. در مقابل، بی­ثباتی، افق رشد اقتصادی را با محدودیت مواجه می­کند (دهقان منشادی و پوررحیم، 1392). از جمله­ی عوامل ایجاد بی­ثباتی در اقتصاد، می­توان به ریسک و نااطمینانی اشاره کرد. دنیای در حال تغییر امروزی موجب گردید نااطمینانی به یک واقعیت در اقتصاد مبدل شود. از این رو، توجه و نگرانی همیشگی محققان را به خود می­طلبد. ایده­ی وارد نمودن این مفهوم در تحلیل­های اقتصادی، نخستین بار توسط نایت[[2]](#footnote-2) در سال 1921 مطرح شد (Toma et al., 2012). هر چند در ادبیات اقتصادی، مفهوم نااطمینانی با نام کینز نیز قرین شده است. کینز با اشاره به جدایی عین از ذهن، بر نااطمینانی حاکم بر فضای اقتصاد تأکید می­کند. با عنایت به ارتباط بین مصرف و رشد اقتصادی، می­توان انتظار داشت نااطمینانی رفتار مصرفی خانوارها را نیز متأثر نماید.

بررسی تأثیر نااطمینانی بر رفتار مصرف و پس انداز خانوار با تمرکز بر انگیزه­ی پس­انداز احتیاطی، از جمله موضوعاتی می­باشد که طیف وسیعی از ادبیات اقتصادی را به خود اختصاص داده است (Masayuki, 2017). در ادبیات اقتصادی، پس انداز احتیاطی که از آن با عنوان سپر پس اندازی نیز یاد می­شود، به نوعی خانوارها را در برابر آینده نامطمئن بیمه می­سازد. کاهش در مصرف نیز غالباً نخستین منبع تأمین این سپر پس­اندازی محسوب می­شود. با عنایت به اهمیت موضوع، پژوهش حاضر به بررسی اثرات مستقیم و غیر مستقیم نااطمینانی بر رفتار مصرفی می­پردازد. برای این منظور، مقاله در 5 بخش ساماندهی شده است. در ادامه، ادبیات موضوع به صورت نظری و تجربی بررسی می­گردد. در بخش سوم، روش پژوهش توضیح داده می­شود. بخش چهارم به نتایج حاصل از برآورد اختصاص می­یابد. در نهایت نیز جمع­بندی و پیشنهادها ارائه می­شوند.

# ادبیات موضوع

## مبانی نظری

در این بخش، با رجوع به تعریف نااطمینانی، جایگاه و اهمیت آن در اقتصاد مورد بررسی قرار می­گیرد:

"نااطمینانی پدیده­ای غیرقابل پیش­بینی است که عوامل اقتصادی با تکیه بر مشاهدات گذشته و احتمالات ذهنی قادر به مدیریت آن نیستند".

در استدلال کینز، با صرف نظر کردن از ریسک قابل اندازه­گیری، به دو سطح از نااطمینانی اشاره می­شود. یک سطح، نااطمینانی بنیادیست که از آن با عنوان نااطمینانی کینزی یاد شده است. و سطح دیگر، نااطمینانی اصلی[[3]](#footnote-3) و یا جریان اصلی نااطمینانی نام دارد. بازارها در مدیریت نااطمینانی اصلی خوب عمل می­کنند. بنابراین، آنچه به عنوان نااطمینانی غیرقابل کنترل عمل می­کند، در واقع همان نااطمینانی کینزی است. مدیریت این سطح از نااطمینانی در عملکرد سیستم اقتصادی، اهمیت به سزایی دارد. این در شرایطی است که ارتباط دو سویه عوامل اقتصادی موجب می­گردد اقدامات یک فرد، علاوه بر آینده خویش، بر آینده سایرین نیز گذاشته و از آن، تأثیر بپذیرد. در این شرایط، مدیریت ناطمینانی کینزی برای مصرف کننده و تولید کننده، حتی با بدست اوردن اطلاعات بیشتر نیز امکان­پذیر نیست (Larson, 2010).

نایت نیز در کتاب خود با عنوان ریسک، نااطمینانی و سود (1921)، ریسک و نااطمینانی را تعریف نموده و به بررسی تفاوت بین این دو مفهوم پرداخت. و علی رغم اینکه اشارات کینز به مفهوم نااطمینانی، در سایه کتاب مشهورش با عنوان تئوری عمومی پول، بهره و اشتغال (1936)، به حاشیه رفت، تعاریف ارائه شده توسط نایت توسط بسیاری از اقتصاددانان مورد پذیرش و اقبال قرار گرفت (Sakai, 2016). اما نکته حایز اهمیت در این زمینه، وجه مشترک تمامی تألیفات انجام گرفته تاکنون است. یعنی همان غیر قابل اندازه­گیری بودن و ناشناخته بودن پدیده­ی نااطمینانی، خواه در مقایسه با نااطمینانی قابل مدیریت توسط بازار (کینز) و یا در مقایسه با ریسک قابل اندازه­گیری (نایت). تعاریف جدیدی که امروزه از علم اقتصاد ارائه می­گردد، توجه به مفهوم نااطمینانی را در تمامی ابعاد و زوایا می­طلبد. اقتصاد امروزه از علم تخصیص بهینه منابع، به علم انتخاب بهینه و یا علم بررسی انگیزه­ها تفسیر می­شود. همچنین، بیشتر از آنکه تعادلی باشد، تکاملی است. از این رو، همواره بشر شاهد پدیده­هایی خواهد بود که پیش از آن نبوده و سابقه­ی تاریخی ندارد.

نااطمینانی، ویژگی استاندارد بیشتر مدل­های اقتصاد کلان است. در این مدل­ها، مصرف­کنندگان و بنگاه­ها، تصمیات امروز خود را بر پایه انتظارات از آینده نامشخص (و بنابراین نامطمئن) می­گیرند. از این­رو، آشکار نمودن پدیده­های دنیای واقعی، توجه و بررسی بیشتر محققان را در ارتباط با نقش نااطمینانی در اقتصاد می­طلبد (Knotek and Khan, 2011). ماهیت غیرقابل مشاهده بودن نااطمینانی در کنار بدیهی بودن آن در اقتصاد موجب گردید که مطالعات بسیاری به محاسبه­ی نااطمینانی و چگونگی تأثیر آن بر اقتصاد بپردازند (Moore, 2016). این مطالعات در حوزه­ها و ابعاد مختلفی به بررسی نااطمینانی پرداختند. این مطالعات، کانال­های متعددی برای اثرگذاری نااطمینانی یاد کرده­اند.

یکی از مهم­ترین کانال­های تأثیرگذاری نااطمینانی بر اقتصاد کلان، متوجه مصرف کننده است. در شرایطی که نااطمینانی بالاست، افراد ممکن است در ارتباط با جریان آتی درآمد حاصل از کار تردید داشته باشند. بنابراین، ترجیح می­دهند در دوره جاری مصرف خویش را کاهش دهند (Cosar and Sahinoz, 2018). با در نظر گرفتن برخی از ویژگی­های خاص تابع مطلوبیت، نااطمینانی موجب پس­انداز اضافی مثبت خواهد شد که پس­انداز احتیاطی نامیده می­شود (Lugilde, 2018). مدل­های تئوریکی پس­انداز احتیاطی پیش بینی می­کند که مصرف خانوارها در مواجهه با تکانه­های نااطمینانی کاهش یافته و نرخ پس­انداز افزایش می­یابد. بنابراین، ثروت خالص شروع به افزایش می­کند. پس از این تعدیل اولیه، مصرف به آهستگی افزایش یافته و نرخ پس­انداز به وضعیت یکنواخت بلندمدت خود کاهش می­یابد. در وضعیت یکنواخت جدید، نرخ مصرف کمی پایین­تر از مقدار قبل از تکانه، و نرخ پس­انداز و نرخ ثروت بالاتر هستند (Aaberge et al., 2016).

همان­گونه که بانک مرکزی اروپا (2016) تأکید کرده، انگیزه پس­انداز احتیاطی یا پیش­گیرانه، احتمالاً در کوتاه­مدت، مصرف و رشد را کاهش می­دهد، ولی اثر آن در بلندمدت مبهم است. اگر افراد پس­انداز خویش را در اقتصاد داخلی حفظ نمایند، انتظار می­رود این افزایش پس­انداز، با کاهش هزینه­های تأمین مالی، سرمایه­گذاری را افزایش ­دهد. ولی اگر در خارج از کشور سرمایه­گذاری شود، بدان معناست که نااطمینانی بالا، تقاضای داخلی را کاهش می­دهد (Cosar and Sahinoz, 2018). بنابراین، این امکان وجود دارد که در بلندمدت، علی­رغم پس­انداز انجام گرفته، رشد اقتصادی کاهش یافته و مصرف، مطابق انتظار، افزایش نیابد.

مساله­ی تصمیم­گیری افراد در ارتباط با تخصیص درآمد بین مصرف و پس انداز، سوال ریشه­داری در اقتصاد خرد، با پیامدهایی در سطح کلان، در زمینه­ی تحریک رشد اقتصادی و تقاضای داخلی است (Mamkiw, 2005). از این­رو، تعریف توابع مصرف همواره یکی از دغدغه­های مکاتب مختلف به شمار می­رفت. در ادبیات اقتصادی، از فرضیه درآمد مطلق کینز[[4]](#footnote-4) (1936)، فرضیه درآمد دائمی فریدمن[[5]](#footnote-5) (1957) و فرضیه چرخه­ی زندگی مودیگلیانی[[6]](#footnote-6) (1949) به عنوان سه مدل بنیادی در زمینه­ی مصرف یاد شده است (Fernandez, 2004). می­توان گفت نخستین گام­ها در این زمینه، به کینز برمی­گردد. وی با ارائه­ی فرضیه­ی درآمد مطلق، مصرف را تابعی از درآمد قابل تصرف جاری معرفی نمود. علاوه بر آن، وجود نااطمینانی در فضای اقتصاد را امری بدیهی می­دانست که موجب راکد شدن بخشی از درآمد خانوارها می­گردد. از این­رو، نااطمینانی این قابلیت را داشت که بخشی از درآمد را از چرخه­ی تأمین مالی مصرف و پس انداز برای مصرف آتی خارج نماید. نظریات کینز به دلیل کاستی­های فراوان، بعدها مورد بازنگری اساسی قرار گرفت. اما، درآمد به اشکال مختلف آن، همواره یکی از اجزای اصلی توابع مصرف مکاتب مختلف بود.

مودیگلیانی[[7]](#footnote-7) با معرفی فرضیه­ی چرخه زندگی، مصرف را تابعی از منابع دوران زندگی افراد معرفی نمود. در واقع، فرد درآمدی که انتظار می­رود در دوران زندگی­اش بدست آورد را در طول سال­های باقی مانده از عمر خویش، تقسیم می­کند. این تفسیر به نوعی به هموارسازی مسیر مصرف تأکید دارد. فریدمن نیز علی­رغم معرفی تابع مصرفی متفاوت از سایرین، به نقش انتظارات در این زمینه تأکید می­کند. در فرضیه درآمد دائمی فریدمن، مصرف کنندگان آینده نگر، تصمیمات مصرفی خود را نه تنها براساس درآمد فعلی، بلکه برپایه­ی انتظار از درآمد آتی، بنا می­کنند (Mamkiw, 2005). فریدمن، درآمد و مصرف جاری را به دو جزء دائمی و گذرا (موقتی) تقسیم می­کند. جزء دائمی مصرف تنها به درآمد دائمی بستگی دارد. اما انتظارات مصرف کننده در این زمینه نقش حیاتی ایفا می­کند. ورود انتظارات به تحلیل، این امکان را فراهم می­سازد که تکانه­ها مجال نقش آفرینی بر مصرف را داشته باشند. در تابع مصرفی که فریدمن ارائه داد، تفکیک موقت و دائمی بودن، در ارتباط با تکانه­ها نیز دارای اهمیت است. به طوری که مصرف­کنندگان در برابر تکانه­های دائمی واکنش قوی­تری نسبت به تکانه­های موقتی از خود نشان می­دهند (Fernandez, 2004).

بعدها این دیدگاه با فرض انتظارات عقلایی نیز ترکیب شد. هال[[8]](#footnote-8) (1978) روابط ساختاری برای مصرف را به رجحان بین زمانی مرتبط می­کند. در این راستا،آنچه برای فرد اهمیت دارد، مطبوبیت دوران زندگی خواهد بود. در واقع، وی به دنبال برنامه­ی مصرفی است که ارزش انتظاری تابع مطلوبیت دوران زندگی خویش را با توجه به قید بودجه حداکثر نماید. در این الگو، مطلوبیت در هر دوره به مصرف بستگی داشته و قید بودجه نیز مصرف انتظاری را به ثروت دوران زندگی (مجموع درآمدی که فرد انتظار دارد در طول زندگی­اش بدست آورد به علاوه­ی دارایی اولیه) محدود می­کند (Fernandez, 2004).

s. t.

که در آن، V تابع مطلوبیت دوران زندگی، C مصرف، T تعداد سال­های عمر اقتصادی (مورد انتظار)، U(.) تابع مطلوبیت در هر دوره، Et عملگر انتظارات، δ نرخ تنزیل ذهنی، R=1+r نرخ بازدهی، r نرخ بهره و A دارایی اولیه است. r در طول زمان ثابت فرض شد. در اینجا نیز آنچه اهمیت دارد، انتظار از درآمد آتی و هموار سازی مسیر مصرف در طول دوران زندگی است. با این تفاوت که این­بار، انتظارات به صورت عقلایی و با استفاده از حداکثر اطلاعات در دسترس در زمان تصمیم­گیری (t) شکل می­گیرند. در نتیجه­ی بهینه­یابی، مصرف تابعی از تنها منبع نااطمینانی، یعنی درآمدهای آتی بدست می­آید. افزایش نااطمینانی، سطح مصرف را کاهش داده و در مقابل، به پس انداز احتیاطی منجر خواهد شد (Fernandez, 2004).

مطابق آنچه تا بدین جا بیان گردید می­توان گفت نااطمینانی تأثیر غیرقابل انکاری بر رفتار مصرفی مردم خواهد گذاشت. چرا که هموار سازی مسیر مصرف برای افراد، نسبت به مصرف جاری، از درجه­ی اهمیت بالاتری برخوردار است. از این­رو، مردم در زمان شکل­دهی انتظارات از درآمد آتی، نااطمینانی را لحاظ نموده و رفتار مصرفی خویش را به گونه­ای تنظیم می­کنند که احتمال کاهش شدید مصرف در آینده، تا حد امکان کاهش یابد. به همین خاطر، احتیاط بیشتری در مصرف نمودن درآمد خویش داشته و ترجیح می­دهند آن را برای آینده نامطمئن، ذخیره نمایند. در نتیجه، کاهش در مصرف جاری می­تواند نخستین واکنش در برابر نااطمینانی باشد.

## پیشینه پژوهش

نظر به اهمیت موضوع، مطالعات قابل توجهی در خارج از کشور به بررسی نااطمینانی اقتصادی و اثرات آن پرداختند. از جمله­ی این مطالعات می­توان مقاله­ی کویبن و همکاران (2021) را نام برد. این پژوهشگران اثرات نااطمینانی اقتصاد کلان را بر مخارج خانوارها در جامعه اروپایی مورد بررسی قرار دادند. در این پژوهش از برآوردگر Huber-robust استفاده شد. نتایج نشان داد نااطمینانی بالاتر موجب می­گردد خانوارها مخارجشان روی کالاها و خدمات بی­دوام را کاهش دهند. همچنین، تمایل به سرمایه­گذاری در صندوق­های سرمایه­گذاری با کاهش مواجه شد. این نتایج حاکی از آن بود که نااطمینانی اقتصاد کلان می­تواند با اثرات منفی زیادی در زمینه­ی تصمیم­های خانوار و به تبع آن، بر اقتصاد همراه باشد (Coibion et al., 2021).

یان و جانگ (2020) در مطالعه­ی خود به بررسی تأثیر تکانه­های نااطمینانی بر مصرف و ساعات کاری خانوارهای کشور کره جنوبی در فاصله­ی سال­های 2006 تا 2016 پرداختند. این پژوهشگران با استفاده از منطق فازی نشان دادند که به دنبال وقوع تکانه نااطمینانی، مصرف و ساعات کار خانوار کاهش می­یابند. لیک و هو[[9]](#footnote-9) (2019) به بررسی نااطمینانی در نرخ ارز و مصرف در منتخبی از کشورهای آسیایی در فاصله­ی سال­های 2017-1993 پرداختند. در این پژوهش از روش پنل پویا استفاده شد. نتایج حاکی از آن بود که نااطمینانی در کوتاه مدت و بلندمدت اثرات نامتقارنی بر مصرف برجای می­گذارد. همچنین، نااطمینانی دائمی نرخ ارز در طولانی مدت تأثیر بیشتری بر مصرف دارد (Yun and Jung, 2020).

در داخل کشور نیز مطالعات متعددی به بررسی تأثیر نااطمینانی بر متغیرهای اقتصاد کلان پرداخته­اند. از جمله می­توان به مطالعه سیف اللهی (1397) اشاره کرد. این پژوهشگر در مطالعه خود به بررسی اثرات نامتقارن نااطمینانی قیمت نفت بر رشد اقتصادی کشورهای صادرکننده و واردکننده­ی نفت طی دوره زمانی 2015-1961 پرداخت. در این پژوهش، از الگوی GARCH نمایی و GMM، به ترتیب به منظور محاسبه شاخص نااطمینانی و برآورد الگوی مورد بررسی استفاده شد. نتایج نشان داد تأثیر نااطمینانی قیمت نفت بر رشد اقتصادی در کشورهای صادرکننده و وارد کننده نفت، منفی و در عین حال، نامتقارن است. به طوری که تکانه­های مثبت، تأثیر به مراتب بیشتری نسبت به تکانه­های منفی دارد.

اما تنها تعداد معدودی از مطالعات تأثیر منابع متفاوت نااطمینانی بر مصرف را مورد بررسی قرار داده­اند. از جمله مطالعه لطفعلی­پور و همکاران (1397) که اثر تکانه­ی منابع مالی متأثر از هراس بانکی، بر مصرف و سرمایه­گذاری را در فاصله سال­های 1396-1360 مورد بررسی قرار دادند. در این پژوهش از الگوی تعادل عمومی پویای تصادفی (DSGE) استفاده شد. نتایج نشان داد که تکانه ایجاد شده به دنبال برداشت سپرده توسط مردم، توان اعطای تسهیلات توسط بانک­ها را کاهش می­دهد. این مساله نیز موجب افزایش مصرف و کاهش سرمایه­گذاری و تولید خواهد شد. شفیعی و همکاران (1396) در مطالعه­ی خود به بررسی تأثیر نااطمینانی نسبت به مخارج دولت بر مخارج مصرفی خانوارها در ایران پرداختند. این پژوهش در فاصله­ی سال­های 1391-1357 و برای کشور ایران انجام شد. همچنین، از الگوی GARCH نمایی استفاده گردید. نتایج نشان داد که نااطمینانی نسبت به هزینه­های دولت، تأثیر منفی و معنی­داری بر رشد مخارج مصرفی خانوارها دارد. همچنین، اثر نااطمینانی بر رشد مخارج مصرفی کالاهای بادوام مثبت است.

وجه تمایز پژوهش حاضر با مطالعات یاد شده، بررسی تأثیر مستقیم و غیرمستقیم نااطمینانی اقتصاد کلان بر رفتار مصرفی خانوارها است. همچنین، با به کارگیری الگوی رگرسیونی آستانه­ای پانل[[10]](#footnote-10) (PTR)، اثر آستانه­ای نااطمینانی، در ارتباط بین درآمد و ثروت با مصرف نیز مورد بررسی قرار می­گیرد

# روش پژوهش

در این بخش، نخست توضیحی اجمالی در مورد الگوسازی نااطمینانی کلان اقتصادی ارائه و در ادامه، به روش و الگوی مورد استفاده پرداخته خواهد شد.

## الگوسازی نااطمینانی

این مساله که نااطمینانی، متغیری غیرقابل مشاهده است، موجب ­گردیده که تاکنون، روش­های متعددی برای محاسبه آن معرفی شود. روند پیشرفت مطالعات انجام شده در این راستا، ادبیاتی غنی در ارتباط با روش­های اندازه­گیری نااطمینانی ایجاد نمود. قدیمی­ترین اندازه­گیری از این مفهوم، منحصر به نااطمینانی مالی بود. اما به مرور زمان، محاسبه نااطمینانی در سه سطح خرد، اقتصاد کلان و نااطمینانی سیاست اقتصادی (EPU) صورت پذیرفت (Ferrara et al., 2017). بیشتر مطالعات انجام گرفته در حوزه نااطمینانی، به مسأله نااطمینانی در متغیرهای اقتصادی پرداخته­اند. اما می­توان گفت در نظر گرفتن نااطمینانی در سطح اقتصاد کلان از اهمیت بالاتری برخوردار است. چرا که علاوه بر نااطمینانی در سطح کلان، برهم کنش بین متغیرهای ایجاد کننده و متغیرهای تأثیرپذیر از نااطمینانی را نیز در بر می­گیرد. از این رو در پژوهش حاضر، نااطمینانی اقتصاد کلان مد نظر قرار گرفت.

در مطالعات مختلف، از متغیرهای نرخ ارز، نرخ بهره، رابطه مبادله، کسری بودجه دولت و نرخ تورم، به عنوان عوامل اصلی ایجاد نااطمینانی یاد شده است (از جمله هادجی­میشل و همکاران[[11]](#footnote-11) (1994)، مطالعات گسکری و همکاران (1385)، الیاس­پور و همکاران (1397) و دهقان منشادی و پوررحیم (1392)). در این پژوهش به تبعیت از رحمانی و همکاران (1391) و دهقان منشادی و پوررحیم (1392)، از شاخص بی­ثباتی اقتصاد کلان[[12]](#footnote-12) (MII) استفاده گردید. شاخص نااطمینانی MII از میانگین عوامل یاد شده به عنوان منابع نااطمینانی بدست می­آید[[13]](#footnote-13). مشکل موجود، همگن نبودن داده­های آماری مربوط به متغیرهای مذکور است. از این­رو، نخست با استفاده از فرمول زیر، تمامی متغیرها به عددی بین 0 و 1 نرمال شده، سپس، میانگین آن­ها مورد محاسبه قرار می­گیرد.

# که در آن، I شاخص متغیر X، Xt ارزش حقیقی شاخص در زمان t و max و min نیز حداکثر و حداقل مقدار متغیر مذکور هستند.

## معرفی الگو و متغیرهای مورد استفاده

در این پژوهش، به تبعیت از لوگیلد (2018)، از الگویی به صورت زیر برای بررسی پاسخ رفتار مصرفی به نااطمینانی در اقتصاد استفاده می­شود:

که در آن C، مصرف، UN شاخص نااطمینانی اقتصاد، Y درآمد، u عبارت خطا و Z نیز سایر عوامل مؤثر بر مصرف افراد است. در این پژوهش، مطابق آموزه­های اقتصادی، همچنین، به پیروی از لوگیلد (2018)، متغیر ثروت (w) در نظر گرفته شد.

به پیروی از کامپوس و اریکسون (2000) می­توان از نقدینگی به عنوان شاخصی برای اندازه­گیری متغیر ثروت استفاده کرد. زیرا نقدینگی مشخص­ترین جزء سبد دارایی افراد بوده که به راحتی قابل محاسبه در سطح کلان است (دوست جاوید و طهرانچیان، 1396). همچنین، می­توان از آمار هزینه­های مصرفی به عنوان جایگزین میزان مصرف استفاده کرد (مولایی و علی، 1398). در این پژوهش نیز متغیرهای حجم پول و مخارج مصرفی نهایی (هر دو به قیمت ثابت سال 2010)، بدین منظور به کار گرفته شد. پیش از برآورد، تمامی متغیرها لگاریتم­گیری شده و به صورت سرانه محاسبه شدند. همچنین، تأثیر نااطمینانی به دو صورت مستقیم و تعاملی مورد بررسی قرار گرفت.

هدف اصلی در پژوهش حاضر، بررسی اثرات مستقیم و غیر مستقیم نااطمینانی بر رفتار مصرفی است. در این راستا، به دلیل عضویت ایران در اوپک و نقش به سزای درآمدهای نفتی در ثبات اقتصادی کشور، حداکثر اطلاعات در دسترس کشورهای عضو اوپک در بازه زمانی 2018-2006 در نظر گرفته شد. بررسی تأثیر تعاملی نااطمینانی و سایر متغیرهای توضیحی موجب می­گردد الگو فرم غیرخطی به خود بگیرد. در بین مجموعه الگوهای غیرخطی موجود که در آن­ها امکان بررسی ضرایب وجود دارد، همچنین، با توجه به ماهیت الگو و هدف پژوهش، الگوی رگرسیونی آستانه­ای پانل (PTR) الگوی مناسبی به نظر می­رسید. برای اطمینان، از آزمون اثر آستانه استفاده می­شود. فرضیه صفر در این آزمون، خطی بودن الگو است. در صورتی که فرضیه صفر رد شود، در الگو اثر آستانه وجود دارد. از این­رو، نمی­توان از تکنیک­های خطی به منظور برآورد استفاده نمود.

الگوی رگرسیونی آستانه­ای پانل هانسن (1999) جهش یا شکست ساختاری در ارتباط بین متغیرها را نشان می­دهد. این الگو می­تواند برای توضیح رفتار پدیده­های اقتصادی بسیاری مورد استفاده قرار گیرد (Wang, 2015). در این الگوها، پس از تعیین حد آستانه، وضعیت متغیرها با استفاده از الگویی به شکل زیر توضیح داده می­شود:

*در این الگو، q متغیر آستانه و ɤ پارامتر آستانه است. مقادیر q پایین­تر و مساوی ɤ، وضعیت نخست و مقادیر بالاتر از ɤ، وضعیت دوم متغیر آستانه را نشان می­دهند. طبیعی است که با افزایش تعداد حد آستانه، تعداد وضعیت­های موجود افزایش خواهد یافت. متغیر X در مقادیر بالا و پایین­تر از حد آستانه متغیر q، تأثیر متفاوتی بر y داشته و این اثرات، با پارامترهای* β *اندازه­گیری می­شوند* (Wang, 2015). *بیان ریاضی این مطلب را می­توان در قالب رابطه­ی* ‏(5) *نشان داد:*

*در واقع، متغیر شاخص به صورت زیر تعیین شده و باجایگزینی در رابطه­ی* ‏(4)*، معادلات* ‏(5) *حاصل می­شوند:*

*با توصیفات ارائه شده از الگوی PTR، رگرسیون* ‏(3) *را می­توان به فرم زیر نوشت:*

*متغیر آستانه در این پژوهش، شاخص نااطمینانی (*UN*) است. با مشخص شدن تعداد آستانه­ی شاخص مذکور، تعداد پارامترهای متغیرهای توضیحی (درآمد و ثروت) مشخص خواهد شد. همانگونه که پیش­تر نیز توضیح داده شده بود، مقادیر نااطمینانی کوچکتر مساوی ɤ، وضعیت نخست نااطمینانی و مقادیر بالاتر از ɤ، وضعیت دوم این شاخص را نشان می­دهند. می­توان وضعیت نخست را نااطمینانی پایین و وضعیت دوم را نااطمینانی بالا نامید. به منظور تعیین تعداد حد آستانه­ی این شاخص، از آزمون اثر آستانه استفاده می­گردد. فرضیه­ی صفر در این آزمون، خطی بودن رابطه بین متغیرها و فرضیه­ی مقابل، وجود حد آستانه برای متغیر آستانه و برقراری رابطه­ی غیرخطی است. در این آزمون، مقادیر مختلفی برای ɤ در نظر گرفته شده و مجموع مربعات پسماندهای حاصل از برآورد رگرسیون محاسبه می­شود. کمترین میزان مجموع مربعات پسماند، تعیین­ کننده­ی حد آستانه خواهد بود.*

# نتایج برآورد

در این بخش و پیش از برآورد الگو، مانایی متغیرها مورد بررسی قرار می­گیرد. برای این منظور از آزمون­های لوین، لین و چو[[14]](#footnote-14) و فیلیپس-پرون و فیشر[[15]](#footnote-15) (PP - Fisher) استفاده شد. نتایج آزمون­های یاد شده در جدول 1 ارائه شده است.

**جدول** 1- نتایج آزمون مانایی

**Table 1-** The Results of Stability Tests

منبع: یافته­های پژوهش

Source: Research Calculations

|  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| **متغیر** | **آزمون لوین، لین و چو** | | **آزمون فیلیپس-پرون-فیشر** | | **نتیجه مانایی** |
| آماره آزمون | احتمال معنی­داری | آماره آزمون | احتمال معنی­داری |
| لگاریتم مخارج مصرفی | 892/2- | 00/0 | 75/42 | 00/0 | I(0) |
| لگاریتم درآمد | 6/27- | 00/0 | 84/35 | 00/0 | I(0) |
| لگاریتم موجودی پول | 984/3- | 00/0 | 46/31 | 00/0 | I(0) |
| شاخص نااطمینانی | 61/8- | 00/0 | 91/77 | 00/0 | I(0) |
| احتمال معنی­داری آماره آزمون کائو[[16]](#footnote-16) (Kao) | | | 3.08- | 00/0 | |

براساس نتایج آزمون لوین، لین و چو تمامی متغیرها در سطح 5 درصد مانا هستند. نتایج آزمون PP-F نیز مؤید این نتیجه است. با عنایت به اینکه متغیرها پیش از این، به صورت لگاریتمی و سرانه محاسبه شدند، این امر طبیعی به نظر می­رسید. ولی به منظور اطمینان بیشتر از یکسان بودن درجه­ی انباشتگی متغیرها، از آزمون هم انباشتگی نیز استفاده شد. نتایج این آزمون (آماره کائو) حاکی از برقراری بلندمدت بین متغیرهاست. از این رو می­توان استنباط­های پیش رو را معتبر دانست. در ادامه، پانل یا تلفیقی بودن داده­ها، همچنین، خطی یا غیر خطی بودن رابطه بین متغیرها مورد بررسی قرار می­گیرد. این امر برای انتخاب برآوردگر بهینه ضرورت دارد.

به منظور مشخص نمودن ماهیت داده­ها از آزمون F لیمر استفاده شد. خلاصه­ی نتایج در جدول 2 آورده شده است. نتایج نشان می­دهد که داده­های مورد استفاده ماهیت پانل دارند. احتمال معنی­داری آماره­ی آزمون هاسمن نیز 00/0 بوده و نشان می­دهد الگوی پانلی، باید به روش اثرات ثابت مورد برآورد قرار گیرد. این نتایج در واقع، مجوزهای اولیه­ای هستند که امکان استفاده از الگوی PTR را فراهم می­آورند. گام بعدی، تعیین خطی یا غیر خطی بودن رابطه بین متغیر وابسته و سایر متغیرهاست. ماهیت پژوهش گواه آن است که روابط بین متغیرها از یک الگوی غیرخطی تبعیت می­کند. برای اطمینان از این امر، از آزمون اثر آستانه­ای استفاده می­شود. در صورتی که برقراری یک یا چند حد آستانه به تأیید برسد، الگو از حالت خطی خارج می­گردد. نتایج حاصل از این آزمون و حد آستانه­ی تعیین شده، در جدول 3 قابل مشاهده است.

**جدول** 2- نتایج آزمون­های F لیمر و هاسمن

**Table 2-** The Results of F Limer and Hausman Tests

منبع: یافته­های پژوهش

Source: Research Calculations

|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
| آزمون | آماره­ی آزمون | احتمال معنی­داری | نتیجه |
| F لیمر | 75/229 | 00/0 | فرضیه­ی صفر رد می­شود. داده­ها ماهیت پانل دارند. |
| Null Hypothesis: Pooled Models Are Appropriate for Estimating the Regression (Cross-Section Effects Are Redundant) | | | |
| هاسمن | 02/21 | 00/0 | فرضیه­ی صفر رد می­شود. روش اثرات ثابت برای برآورد مناسب است. |
| Null Hypothesis: Randomized-Effects Estimators Are Appropriate for Estimating the Regression | | | |

**جدول** 3- نتایج آزمون اثر آستانه و حد آستانه موجود

**Table 3-** The Results of Threshold Effect Test and Threshold Value

منبع: یافته­های پژوهش

Source: Research Calculations

|  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- |
| **آستانه**  **(Threshold)** | **مقدار آماره F** | **احتمال معنی­داری** | **مقدار بحرانی در سطح 10 درصد**  **(Crit10)** | **مقدار بحرانی در سطح 5 درصد**  **(Crit5)** |
| Single | 60/26 | 00/0 | 16/11 | 79/13 |
| Double | 48/10 | 30/0 | 39/15 | 31/17 |
| Threshold Value | 2954/0 | | | |

متغیر آستانه در پژوهش حاضر، شاخص نااطمینانی است. احتمال معنی­داری آزمون اثر نشان می­دهد یک حد آستانه برای نااطمینانی وجود دارد. سطح آستانه نااطمینانی 29/0 برآورد شد. سطح نااطمینانی بالاتر از 29/0 سطح بالای نااطمینانی و سطوح پایین­تر، سطح پایین نااطمینانی شناخته می­شود. در ادامه، الگو به روش آستانه­ای پانل برآورد و خلاصه نتایج در جدول 4 ارائه گردید.

**جدول** 4- نتایج حاصل از برآورد الگو

**Table 4**- The Results of Estimation

منبع: یافته­های پژوهش

Source: Research Calculations

|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
| **متغیر** | | **ضریب** | **احتمال معنی­داری** |
| **شاخص نااطمینانی** | | 055/0- | 05/0 |
| **لگاریتم درآمد** | نااطمینانی پایین | 069/0 | 00/0 |
| نااطمینانی بالا | 051/0 | 00/0 |
| **لگاریتم موجودی پول** | نااطمینانی پایین | 138/0 | 00/0 |
| نااطمینانی بالا | 12/0 | 00/0 |
| عرض از مبدأ | | 14/4 | 00/0 |

احتمال معنی­داری ضرایب در جدول 4 حاکی از آن است که تمامی متغیرها تأثیر معنی­داری بر متغیر وابسته دارند. بنابراین، می­توان به تفسیر بزرگی و علامت ضرایب پرداخت. متغیر نااطمینانی، مطابق انتظار، تأثیر منفی بر لگاریتم مخارج مصرفی سرانه دارد. با افزایش نااطمینانی، نیاز به پس انداز احتیاطی و عدم اطمینان از درآمد موجود در تأمین مالی نیازهای مصرفی، از مخارج مصرفی جاری خواهد کاست. متغیر حجم پول سرانه (به عنوان نماینده ثروت فرد) در هر دو وضعیت تأثیر مثبتی بر لگاریتم مخارج مصرفی سرانه دارد. اما بزرگی ضرایب حاکی از آن است که کشش­پذیری مخارج نسبت به ثروت، در نااطمینانی بالا، کاهش می­یابد. لگاریتم درآمد سرانه نیز در هر دو وضعیت تأثیر مثبتی بر لگاریتم مخارج مصرفی سرانه دارد. اما با افزایش نااطمینانی از این اثرگذاری کاسته می­شود.

علی رغم اینکه تفاوت ضرایب درآمد و ثروت در دو وضعیت نااطمینانی بالا و پایین چندان چشم گیر نبود، اما لحاظ نمودن دو نکته خالی از لطف نیست. نخست آنکه ضرایب در حالت لگاریتمی، کشش­پذیری متغیر وابسته نسبت به متغیر توضیحی مدنظر را نشان می­دهند. از این رو، تغییرات هرچند ناچیز هم قابل ملاحظه خواهند بود. همچنین، الگوهایی که در آن­ها از لگاریتم متغیرها استفاده شده، در واقع الگوهایی هستند که نوسانات کوتاه مدت را نادیده گرفته و روند بلندمدت متغیر را مد نظر قرار داده­اند. تئوری­های موجود، به کاهش کوتاه مدت مصرف و مخارج مصرفی با افزایش نااطمینانی اشاره داشتند، حال آنکه وضعیت بلندمدت متغیر به دنبال کاهش نااطمینانی در هاله­ای از ابهام قرار دارد. در بلندمدت، با لحاظ نااطمینانی در شکل­گیری انتظارات کارگزاران اقتصادی و به دنبال پس انداز شکل گرفته، انتظار بر افزایش مخارج مصرفی است. اما این امکان نیز وجود دارد که نرخ مصرف، کمی پایین­تر از مقدار قبل از وقوع نااطمینانی باشد. نتایج بدست آمده نیز با این دیدگاه سازگار است.

# نتیجه­گیری و ارائه پیشنهاد

در پژوهش حاضر، تلاش بر آن بود تا تأثیر مستقیم و غیرمستقیم نااطمینانی بر رفتار مصرفی بررسی گردد. در تئوری موجود، این اثرگذاری منفی ذکر شده است. بدین منظور از اطلاعات سری زمانی مخارج مصرفی (به عنوان جایگزین میزان مصرف)، درآمد و حجم پول کشورهای عضو اوپک، در فاصله سال­های 2006 تا 2018، براساس حداکثر اطلاعات در دسترس، استفاده شد. شاخص نااطمینانی اقتصادی نیز به روش MII محاسبه گردید. تمامی متغیرها در فرم لگاریتمی و سرانه در نظر گرفته شدند. پیش از برآورد، ماهیت داده­ها، نوع روابط بین متغیرها و برآوردگر مناسب، با استفاده از آزمون­های F لیمر، هاسمن و اثر آستانه بررسی گردید. نتایج آزمون­های F لیمر و هاسمن حاکی از آن بود که داده­ها ماهیت پانل داشته و باید به روش اثرات ثابت مورد برآورد قرار گیرند. مطابق نتایج آزمون اثر آستانه نیز وجود یک حد آستانه برای نااطمینانی به تأیید رسید. در نهایت، با عنایت به ماهیت الگو و داده­های مورد استفاده، از روش آستانه­ای پانل (PTR) به منظور برآورد الگو استفاده گردید. در این الگوی مورد بررسی، اثر مستقیم نااطمینانی با معرفی شاخص نااطمینانی در معادله، و اثر غیرمستقیم، با بررسی نقش شاخص نااطمینانی در اثرگذاری متغیرهای توضیحی سنجیده شد.

نتایج پژوهش حاکی از آن بود که در دوره­ی مورد بررسی، نااطمینانی، به صورت مستقیم، تأثیر منفی و معنی­داری بر مخارج مصرفی در کشورهای عضو اوپک دارد. این نتیجه براساس مبانی نظری، مورد انتظار بود. در شرایط نااطمینانی، افراد احتیاط بیشتری را در برنامه­ریزی خود لحاظ خواهند نمود. در واقع، با افزایش نااطمینانی به صورت احتیاطی پس­انداز بیشتری انجام می­دهند تا از کاهش مصرف آتی خویش جلوگیری نمایند. طبیعی است که نخستین متغیر تحت کنترل افراد در این شرایط، مخارج مصرفی (بی دوام) جاری خواهد بود. هر چند ذکر این نکته حائز اهمیت است که نتایج، تنها کاهش مخارج مصرفی در دوره­ی مورد بررسی را نشان می­دهند. ولی برای قضاوت در مورد اینکه منابع مالی آزاد شده به صورت پول، پس انداز در بانک و یا دارایی بادوام نگهداری می­شوند کفایت نمی­کند.

در بررسی اثر تعاملی، نتایج الگوی برآوردی نشان داد متغیرهای درآمد سرانه و ثروت در سطوح مختلف نااطمینانی، تأثیر مثبت و در عین حال، نامتقارنی بر مخارج مصرفی داشتند. در سطوح بالای نااطمینانی، از اثرگذاری هر دو متغیر بر مخارج مصرفی کاسته شد. بنابراین، می­توان گفت نااطمینانی به صورت غیر مستقیم و از طریق اثرگذاری بر درآمد و ثروت نیز تأثیر منفی بر مخارج مصرفی برجای خواهد گذاشت. اگر بتوان حد پایین نااطمینانی را شرایط عادی و حد بالای آن را شرایط بی­ثبات اقتصادی تعریف کرد، می­توان گفت در شرایط عادی، افراد با افزایش منابع در دسترس (درآمد و ثروت)، مخارج مصرفی خویش را افزایش می­دهند. اما آنچه اهمیت بیشتری دارد، هموار سازی مسیر مصرف است. از این­رو، با افزایش نااطمینانی احتیاط بیشتری در مصرف درآمد و منابع مالی خویش خواهند نمود. نکته­ی حایز اهمیت دیگر در این راستا، تأثیر نااطمینانی بر انتظارات تورمی و به تبع آن، تورم قیمت­ها است. طبیعی است که در شرایط نااطمینانی، به طور ویژه، نااطمینانی در سطح کلان اقتصادی، افراد انتظارات تورمی خویش را در سطح بالاتری تعیین می­نمایند. از این­رو، برآورد آن­ها از قدرت خرید در آینده­ی پیش رو تغییر می­کند. در نتیجه، ممکن است از محل کاهش مخارج مصرفی قابل چشم­پوشی، اقدام به پس انداز محتاطانه نمایند.

در یک جمع­بندی نهایی می­توان گفت نااطمینانی به صورت مستقیم و غیر مستقیم از مخارج مصرفی خواهد کاست. از آن­جا که مخارج مصرفی در این پژوهش جایگزینی از رفتار مصرفی بود، می­توان گفت نااطمینانی با مصرف رابطه معکوس داشته و این تأثیر، قابل تعمیم به سایر متغیرهای اثرگذار بر مصرف (درآمد و ثروت) نیز خواهد بود. نتایج پژوهش منطبق با مطالعات کویبن و همکاران (2021)، یان و جانگ (2020) و شفیعی و همکاران (1396) است. از آن­جا که سیاست­های دولت و انتظارات مردم، از جمله مهم­ترین منابع ایجاد نااطمینانی در اقتصاد هستند، به نظر می­رسد قاعده محور بودن سیاست­های دولت بتواند تا حد قابل توجهی از نااطمینانی در سطح اقتصاد بکاهد. در نظر گرفتن منابع نااطمینانی داخلی و بین­المللی در سیاست­گذاری، تعهد به سیاست­های اعلام شده و احتیاط در اجرای سیاست­های صلاحدیدی و غافلگیرانه (هر چند با اهداف خیرخواهانه)، از جمله پیشنهادهای این پژوهش به سیاست­گذاران خواهد بود. همچنین، با توجه به اینکه مطالعات انجام شده تاکنون، با بهره­گیری از روش­های مختلفی وضعیت فعلی و گذشته­ی مصرف در پاسخ به نااطمینانی را مورد بررسی قرار داده­اند، پیشنهاد می­شود پیامدهای اقتصادی نااطمینانی با استفاده از متدهای آینده­پژوهانه نیز مورد توجه محققان قرار گیرد.

|  |
| --- |
| **Acknowledgments**: The authors would like to acknowledge the valuable comments and suggestions of the reviewers, which have improved the quality of this paper.  **Conflict of Interest:** The authors declare no conflict of interest.  **Funding**: The authors received no financial support for the research, authorship, and publication of this article. |
|  |

**References**

Boldeanu, F. T., & Constantinescu, L. (2015). The Main Determinants Affecting Economic Growth. *Bulletin of the Transilvania University of Braşov Series V: Economic Sciences*, *5*(57), 2, 329-338.

Alper, A. E. (2018). The Relationship of Economic Growth with Consumption, Investment, Unemployment Rates, Saving Rates and Portfolio Investments in The Developing Countries. *Gaziantep University Journal of Social Sciences*, 980-987.

Rafiy, M., Adam, P., Bachmid, G., & Saenong, Z. (2018). An Analysis of the Effect of Consumption Spending and Investment on Indonesia’s Economic Growth. *Iran. Econ. Rev.,* *22*(3), 757-770.

Mamkiw, N. G. (2005). *Macroeconomics*. Worth Publishers.

Fernandez Corugedo, E. (2004). *Consumption Theory*. Handbooks in Central Banking, Bank of England.

Dehghan Menshadi, M., & Pourrahim, P. (2013). The Relationship between Macroeconomic Instability and Economic Growth in Iran. *Quarterly Journal of Economic Research and Policy, 21*(67), 171-192 (in Persian). [http://qjerp.ir/article-1-535-fa.html](http://?)

Toma, S. V., Chitita, M., & Sarpe, D. (2012). Risk and Uncertainty*. Procedia Economics and Finance, 3,* 975-980.

Masayuki, M. (2017). Impact of Policy Uncertainty on Consumption and Saving Behavior: Evidence from a Survey on Consumers. *RIETI Discussion Paper Series*, *17-E-075*.

Larson, S. R. (2002). Uncertainty and Consumption in Keynes's Theory of Effective Demand. *Review of Political Economy*, *14*(2), 241-258.

Sakai, Y. (2016). J.M. Keynes versus F.H. Knight: How to Deal with Risk, Probability and Uncertainty. *CRR Discussion Paper Series* A: General 15. Retrieved from: [https://ideas.repec.org/p/shg/dpapea/15.html](http://?)

Knotek II, E. S., & Khan, Sh. (2011). How Do Households Respond to Uncertainty Shocks?. *Economic Review*, Second Quarter Federal Reserve Bank of Kansas City, 5-34.

Moore, A. (2016). Measuring Economic Uncertainty and Its Effects. Reserve Bank of Australia, *Research Discussion Paper*, *1*, 1-43.

Cosar, E. E., & Sahinoz, S. (2018). Quantifying Uncertainty and Identifying its Impacts on the Turkish Economy*. Central Bank of the Republic of Turkey*, *18/06*. Retrieved from: [http://www.tcmb.gov.tr/wps](http://?)

Lugilde, A. (2018). Does Income Uncertainty Affect Spanish Household Consumption?. *MPRA Paper*, *87110*, Retrieved from: [https://mpra.ub.uni-muenchen.de/87110/](http://?)

Aaberge, R., Liu, K., & Zhu, Y. (2016). Political Uncertainty and Household Savings. *Journal of Comparative Economics*, *2*(26), 1-17. retrieved from: doi: 10.1016/j.jce.2015.12.011.

Coibion, O., Georgarakos, D., Gorodnichenko, Y., Kenny, G., & Weber, M. (2021). The Effect of Macroeconomic Uncertainty on Household Spending*. IZA Institute of Labor Economics, Discussion Paper Series*, *14213*. Retrieved from: [http://ftp.iza.org/dp14213.pdf](http://?).

Yun, Y., & Jung, H. Y. (2020). Effects of Uncertainty Shocks on Household Consumption and Working Hours: A Fuzzy Cognitive Map-Based Approach. *Mathematics*, *8*(889), 1-13.

Iyke, B. N., & Ho, S. Y. (2019). Consumption and Exchange Rate Uncertainty: Evidence from Selected Asian Countries. *Wiley*, World Econ., 1-26. Retrieved from: [https://onlinelibrary.wiley.com/doi/abs/10.1111/twec.12900](http://?).

Seyfollahi, N. (2018). Investigating the Asymmetric Effect of Oil Price Uncertainty on Economic Growth (Generalized Method of Moment Approach). *Quarterly Journal of Quantitative Economics (former Economic Studies), 15*(3), 1-20 (in Persian). doi:10.22055/jqe.2018.21549.1650.

Lotfalipour, M. R., Karimzadeh, M., & Enami, A. (2018). Investigating the Effects of Shock from Banking Resources on Consumption and Investment in the Economy of Iran (DSGE approach). *Quarterly Journal of Econometric,* *3*(10), 113-146 (in Persian). doi: 10.22075/JEM.2019.16941.1265

Shafiei, S., Yavari, K., & Sahabi, B. (2017). The Effects of Uncertainty on Government Expenditure on Household Expenditure in Iran. *Quarterly Journal of Economic Research (Sustainable growth and development),* *17*(2), 25-47 (in Persian). Doi: 20.1001.1.17356768.1396.17.2.6.8.

Ferrara, L.; Lhuissier, S., & Tripier, F. (2017). Uncertainty Fluctuations: Measures, Effects and Macroeconomic Policy Challenges. *CEPII*, Research and Expertise on the World Economy, Policy Brief, *20*, 1-16.

Hadjimichael, M. T., Ghura, D., Muhleisen, M., Nord, R., & Ucer, E. M. (1994). Effects of Macroeconomic Stability on Growth, Savings, and Investment. *International Monetary Fund*, African Department, *98*, 1-113.

Gaskari, R., Ghanbari, H., & Eghbali, A. (2006). Instability in Macroeconomics and Private Sector Investment in Iran. *Economic Research Journal,* *23*(4), 113-131 (in Persian). [https://joer.atu.ac.ir/article\_2965.html](http://?)

Elyaspour, B., Dashtban Farouji, M., & Dashtban Farouji, S. (2018). The Effect of Government Spending and Macroeconomic Uncertainty on Private Sector Investment in Iran. *Quarterly Journal of Economics and Modeling, Shahid Beheshti University,* *9(*2), 67-99 (in Persian). https://doi.org/ 20.1001.1.24765775.1397.9.2.3.0

Rahmani, T., Pourrahim, P., & Dehghan Menshadi, M. (2012). Investigating the Relationship between Macroeconomic Policy Instability and Income Distribution in Developing Countries. *Journal of Economic Policy, 4*(8), 181-201 (in Persian). Doi: 20.1001.1.26453967.1391.4.8.7.7.

Doustjavid, M., & Tehranchian, A. M. (2017). Investigating the Asymmetric Effects of Real Exchange Rate Shocks on Private Sector Consumption Expenditures in Iran. *Quarterly Journal of Monetary-Banking Research,* *10*(34), 533-558 (in Persian). [https://jmbr.mbri.ac.ir/article-1-678-fa.html](http://?)

Molaei, M., & Ali, A. (2019). Modeling the Effect of Oil Revenue Shocks on Household Consumption in Iran. *Economic research*, *54*(1), 233-250 (in Persian). Doi: 10.22059/JTE.2019.264462.1007993.

Wang, Q. (2015). Fixed-Effect Panel Threshold Model Using Stata. *The Stata Journal*, *15*, 121-134.

1. برگرفته از Mankiw (2005) [↑](#footnote-ref-1)
2. Knight [↑](#footnote-ref-2)
3. Mainstream Uncertainty [↑](#footnote-ref-3)
4. The Absolute Income Hypothesis [↑](#footnote-ref-4)
5. Permanent Income Hypothesis [↑](#footnote-ref-5)
6. Life – Cycle Hypothesis [↑](#footnote-ref-6)
7. Modigliani [↑](#footnote-ref-7)
8. Hall [↑](#footnote-ref-8)
9. Iyke and Ho [↑](#footnote-ref-9)
10. Panel Threshold Regression (PTR) [↑](#footnote-ref-10)
11. Hadjimichel et al. [↑](#footnote-ref-11)
12. Macroeconomic Instability Index [↑](#footnote-ref-12)
13. در صورتی که اطلاعات آماری یکی از متغیرهای مذکور در دسترس نباشد، از شاخص نرمال شده متغیرهای دیگر استفاده می­گردد (رحمانی و همکاران، 1391). [↑](#footnote-ref-13)
14. Levin, Lin and Chu [↑](#footnote-ref-14)
15. Phillips-Perron – Fisher (PP- Fisher) Test [↑](#footnote-ref-15)
16. Kao Residual Co-integration Test [↑](#footnote-ref-16)